

بازخوانی نظریه‌های حقوق عمومی از منظر ایدئولوژی

دکتر فائزه دانشور

سرشناسه	: دانشور، فائزه، ۱۳۶۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: بازخوانی نظریه‌های حقوق عمومی از منظر ایدئولوژی / تألیف فائزه دانشور.
مشخصات نشر	: تهران : انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۳۴۶ ص.
شابک	: 978-622-6187-01-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: حقوق عمومی
مندرجات	: Public law
موضوع	: ایدئولوژی
موضوع	: Ideology
رده بند کنگر	: ۱۳۹۷ ب۲ ۱۶/د ۳۱۵۰ K
رده بندی ریوی	: ۳۴۲
شماره کتابشناسی مل	: ۵۲۹۹۳۸۷



انتشارات گنج دانش

خیابان باب همایون، شماره ۳۶، پهن: ۳۳۰۱۰۵

خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، شماره ۴، تلفن: ۶۶۴۹۰۱۹۶

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندار ری، شماره ۱۳۶، تلفن: ۶۶۴۸۵۰۴۸

آدرس وبسایت: www.ganjedanesh.com

بازخوانی نظریه‌های حقوق عمومی از منظر ایدئولوژی

دکتر فائزه دانشور

تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۷

چاپ اول، شمارگان ۱۰۰ جلد

لینوگرافی: ترنج رایانه؛ چاپ: صدف؛ صحافی: صدف

شابک: 978-622-6187-01-5

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

فهرست

عنوان	صفحه
پیشگفتار.....	۱۱
فصل اول: ایدئولوژی.....	۱۷
۱. تحلیل مفهومی.....	۱۹
۲. رویکردها.....	۲۲
۱.۲. رویکرد معرفت شناختی.....	۲۳
۲.۲. رویکرد جامعه شناختی.....	۲۶
۳.۲. رویکرد روان شناختی.....	۲۹
۴.۲. رویکرد فرهنگی.....	۳۲
۳. نگرش ارزشی.....	۳۴
۱.۳. نگرش مثبت.....	۳۵
۱.۱.۳. سنت مارکسیستی.....	۳۶
۲.۱.۳. سنت غیرمارکسیستی.....	۳۷
۳.۱.۳. ایران.....	۳۹
۲.۳. نگرش منفی.....	۴۰
۱.۲.۳. سنت مارکسیستی.....	۴۰
۲.۲.۳. سنت غیرمارکسیستی.....	۴۲
۳.۲.۳. ایران.....	۴۶
۳.۳. نگرش خنثی.....	۴۹
۱.۳.۳. سنت مارکسیستی.....	۴۹
۲.۳.۳. سنت غیرمارکسیستی.....	۵۱
۳.۳.۳. ایران.....	۵۳

۵۴	 معنای عام و خاص
۵۴	 ۱.۴ معنای عام
۵۶	 ۲.۴ معنای خاص
۵۸	 ۵. ایدئولوژی در پژوهش حاضر

فصل دوم: نظریه‌های حقوق عمومی..... ۶۳

۱. چیستی نظریه‌های حقوق عمومی..... ۶۶

۱.۱. بین مفهومی..... ۶۶

۲.۱ افوا را احیای مجدد نظریه‌های سیاسی و حقوقی..... ۷۵

۳.۱ انواع نظریه‌های حقوق عمومی..... ۷۹

۲. نظریه‌های و حیت مبرر حقوق عمومی..... ۸۲

۱.۲ خاستگاه‌های فکری..... ۸۷

۱.۱.۲ اثبات گرای اجتماعی..... ۸۷

۱.۱.۱.۲ زمینه‌های ذهنی بحرین..... ۸۸

۲.۱.۱.۲ پیشگامان..... ۸۹

۲.۱.۲ نظریه‌های تکامل اجتماعی..... ۹۳

۱.۲.۱.۲ فابیان‌یسم..... ۹۴

۲.۲.۱.۲ نئولیبرالیسم..... ۹۶

۳.۱.۲ عمل گرایی..... ۹۹

۱.۳.۱.۲ مبانی فکری..... ۱۰۰

۲.۳.۱.۲ واقع گرایی حقوقی..... ۱۰۲

۲.۲ خطوط اصلی فکری..... ۱۰۵

۱.۲.۲ فرد و جامعه..... ۱۰۸

۲.۲.۲ قانون..... ۱۱۰

۳.۲.۲ حقوق عمومی..... ۱۱۳

۴.۲.۲ حاکمیت و دولت..... ۱۱۹

۵.۲.۲ حاکمیت قانون..... ۱۲۵

۳. نظریه‌های هنجار محور حقوق عمومی..... ۱۳۰

۱.۳ خاستگاه‌های فکری..... ۱۳۲

۱.۱.۳ لیبرالیسم..... ۱۳۳

۱.۱.۱.۳ مبانی فکری..... ۱۳۳

۱۰ □ بازخوانی نظریه‌های حقوق عمومی از منظر ایدئولوژی

۲۴۷	۲. ایدئولوژی در نظریه‌های واقعیت محور
۲۴۸	۱.۲. خاستگاه نظریه و ایدئولوژی
۲۵۱	۲.۲. رویکرد نظریه و ایدئولوژی
۲۵۳	۳.۲. محتوای نظریه و ایدئولوژی
۲۶۲	۴.۲. کارکرد نظریه و ایدئولوژی
۲۶۴	۳. ایدئولوژی در نظریه‌های هنجار محور
۲۶۵	۱.۳. خاستگاه نظریه و ایدئولوژی
۲۶۹	۲.۳. رویکرد نظریه و ایدئولوژی
۲۷۱	۳.۳. محتوای نظریه و ایدئولوژی
۲۷۴	۴.۳. کارکرد نظریه و ایدئولوژی
۲۷۵	۴. ایدئولوژی در نظریه‌های قاعده محور
۲۷۵	۱.۴. خاستگاه نظریه و ایدئولوژی
۲۸۵	۲.۴. رویکرد نظریه و ایدئولوژی
۲۸۷	۳.۴. محتوای نظریه و ایدئولوژی
۲۹۱	۴.۴. کارکرد نظریه و ایدئولوژی
۲۹۴	۵. ایدئولوژی در نظریه‌های سیاست محور
۲۹۶	۱.۵. خاستگاه نظریه و ایدئولوژی
۳۰۳	۲.۵. رویکرد نظریه و ایدئولوژی
۳۰۶	۳.۵. محتوای نظریه و ایدئولوژی
۳۱۲	۴.۵. کارکرد نظریه و ایدئولوژی
۳۱۵	بهره سخن
۳۳۱	منابع و مأخذ

پیشگفتار

حقوق عمومی به عنوان یک برساخت اجتماعی^۱ که متشکل از مجموعه‌ای از هنجارها، سازمانها و رویه‌های حقوقی، انیس و تنظیم‌کننده اقتدار سیاسی است، مانند هر پدیده اجتماعی دیگری قابل ایدئولوژیک شدن است. اما آنچه سبب می‌شود ایدئولوژیک شدن این پدیده در مقایسه با بسیاری از پدیده‌های اجتماعی دیگر، توجه بیشتری بطلبد این است که نظام حقوق عمومی با اقتدار سیاسی سروکار دارد، به تنظیم رابطه حکومت و شهروندان می‌پردازد^۲ و نحوه کسب و اعمال اقتدار سیاسی را از نظر حقوقی صورت‌بندی می‌کند. با این وصف، ایدئولوژیک شدن حقوق عمومی به دلیل بی‌اعتنایی به واقعیات موجود، تجویز تحمیل برداشت‌های خاص از مفهوم زندگی «خوب» یا «مطلوب»^۳ به شهروندانی با عقاید مختلف و روشهای ریست متکثر و تلاش در جهت حفظ نظم موجود و توجیه عملکرد حاکمان جامعه، به جای مدیریت کارآمد تعارضات اجتماعی، به آنها دامن می‌زند که این امر معارض با فلسفه وجودی حقوق عمومی یعنی تنظیم اقتدار سیاسی می‌باشد. با این وجود، موضوع اصلی کتاب حاضر نه بررسی «نسبت حقوق عمومی و ایدئولوژی»، بلکه «نسبت‌سنجی ایدئولوژی با نظریه‌های حقوق عمومی» است.

۱. راسخ، محمد، درس گفتارهای فلسفه حق و فلسفه حقوق عمومی، تهران: انتشارات خانه اندیشمندان علوم انسانی،

چاپ اول، ۱۳۹۴، ص ۶۶.

۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ دوازدهم (۱۳۸۱)، ص ۲۳۸.

اعلام نظر در این رابطه، پیش از هر چیز مستلزم تبیین مفاهیم «ایدئولوژی» و «نظریه‌های حقوق عمومی» است. بر این اساس، بایستی در قدم اول به این پرسش پاسخ داده شود که «ایدئولوژیک شدن نظریه حقوق عمومی به چه معناست». این سوال ناگزیر ما را به تبیین مفهوم «ایدئولوژی» سوق می‌دهد.

مطالعه و بررسی ادبیات گسترده موجود در خصوص ایدئولوژی مبین این امر است که طیف وسیع تعاریف ارائه شده در خصوص این مفهوم، رویکرد متفاوت فلاسفه، جامعه‌شناسان، روانشناسان، اندیشمندان علوم سیاسی و... به آن و همچنین تفاوت در محور توجه نگرش‌های ارزشی صاحب‌نظران به ایدئولوژی، آن را به سیال‌ترین و غامض‌ترین مفهوم مطرح شده در علوم اجتماعی^۱ تبدیل کرده که ارائه تعریف مورد اجماع از آن ناممکن است. بر این اساس، به منظور نظم‌دهی به آشفتگی‌های نظری موجود در این باره، بایستی خاستگاه این مفهوم، رویکردهای نظری متنوع و نگاههای ارزشی متعارض نسبت به آن تبیین شده و با تقسیم‌بندی این تعاریف در قالب تعاریف علمی حاصل، بر آن دسته از ویژگیهای مطرح شده در خصوص ایدئولوژی تکیه شود که با «نظریه حقوق عمومی» مرتبط می‌باشد. بر این اساس، فصل اول کتاب حاضر به تبیین مفهومی و ارائه تعریف برگزیده از ایدئولوژی اختصاص یافته است.

از سوی دیگر، پیش از نسبت‌سنجی ایدئولوژی با نظریه‌های حقوق عمومی، ضروری است تا چستی «نظریه حقوق عمومی» تبیین گردد. «نظریه‌های اصلی حقوق عمومی معرفی شوند. بررسی نظریه‌های گوناگونی که در حقوق عمومی پرداخته‌اند مبین این واقعیت است که آنها به طور کلی بر مفهومی اجمالی^۲ از «موضوع حقوق عمومی» اتفاق نظر داشته و آن را «تنظیم اقتدار سیاسی» می‌دانند، اما آنچه موجب تمایز و تفکیک نظریه‌های مذکور می‌شود، دیدگاه متفاوت آنها درباره «روش حقوق عمومی» یعنی «چگونگی تنظیم اقتدار سیاسی» است. بر این اساس، می‌توان نظریه‌های مذکور را بر اساس نگرش و رویکردی که در خصوص روش حقوق

1. McLellan, D. Ideology. (2nd Ed.). Minneapolis: University of Minnesota Press. 1995, p.1.

2. Concept

عمومی، ابراز داشته‌اند به چهار دسته اصلی نظریه‌های «واقعیت‌محور»، «هنجار‌محور»^۱، «قاعده‌محور»^۲ و «سیاست‌محور» طبقه‌بندی کرد.^۳ شایان ذکر است که در این نوشتار هریک از گروه‌های چهارگانه فوق به مثابه یک «سبک»^۴ مجزا، معرفی شده‌اند تا ضمن تکیه بر اشتراک نظریه‌های موجود در درون هریک از این سبک‌ها درباره موضوعات اصلی حقوق عمومی، بر تفاوت‌های موجود در بین این جریانات نیز صحنه گذاشته شود. ضرورت این امر از آنجا روشن می‌شود که ما در این کتاب با یک متن خاص یا یک نظریه مشخص روبرو نیستیم که بتوانیم ایدئولوژیک شدن آن را با مراجعه به متن مذکور، مورد بررسی قرار دهیم بلکه با طیف وسیع نظریه‌های حقوق عمومی مواجه می‌باشیم. بررسی ایدئولوژیک شدن آنها جز با مقوله‌بندی نظریه‌های مذکور در قالب چند سبک اصلی، امکان‌پذیر نمی‌باشد. بر این اساس، در فصل دوم، بعد از تبیین مفهوم «نظریه عمومی» نظریه‌های حقوق عمومی در قالب چهار

۱. در این کتاب، هنجار به معنای ارزش‌ها و گزاره‌های حقیقی و عمدتاً فلسفی، سیاسی و اخلاقی همچون خودآیینی افراد، اصل غایت بودن انسان، ضرورت بی‌عرفی حکومت، بوده و شامل هنجارهای حقوقی نمی‌شود.
۲. در نوشتار حاضر، مراد از قاعده، قاعده الزام آور حقوقی است که به قالب قانون درآمده است و قواعد غیر حقوقی را در بر نمی‌گیرد.

۳. لازم به ذکر است چهار سبک اصلی نظریه حقوق عمومی که در این کتاب مورد اشاره قرار گرفته‌اند، جملگی مشتمل بر نظریه‌های دمکراتیک حقوق عمومی می‌باشند. عدم اشاره به نظریه‌های حقوق عمومی که با تجویز نظام‌های دیکتاتور مدرن یا نظام‌های تمامیت‌خواه و توتالیتر، در پی تئوریزه یا ضابطه‌سازی افراد و رابطه صاحب‌منصبان با مردم در این حکومت‌ها می‌باشند، به این معنا نیست که نظریه‌های مذکور در زمره نظریه‌های حقوق عمومی جای نمی‌گیرند بلکه با توجه به اینکه تردید کمی در خصوص ایدئولوژیک بودن این نظریه‌ها در هر چهار سطح خاستگاه، رویکرد، کارکرد و محتوا ایدئولوژیک وجود دارد، لذا نسبت نظریه‌های مذکور با ایدئولوژی تا حدودی روشن است. بر این اساس توجه اصلی این کتاب به بررسی نسبت ایدئولوژی با نظریه‌های دمکرات حقوق عمومی معطوف شده است که در بسیاری از موارد مدعی غیرایدئولوژیک بودن هستند و رابطه آنها با ایدئولوژی چندان روشن و شفاف نمی‌باشد.

4. Style

مقصود از کلمه سبک، روح کلی، فرهنگ غالب یا مجموعه ارزشهایی است که در یک نوشته خاص وجود دارد، بدون اینکه صراحتاً از آنها نامی برده شود. علیرغم اینکه سبک‌ها ترکیبی از جریانات فکری هستند که دائماً در حال توسعه بوده و ممکن است تنش‌های داخلی را به نمایش بگذارند. با این وجود آنها یک تمامیت قابل تشخیص را تشکیل می‌دهند. برای توضیحات بیشتر ننگ به؛

سبک اصلی واقعیت محور، هنجار محور، قاعده محور و سیاست محور ارائه شده و خاستگاه و مبانی فکری هریک از آنها و خطوط اصلی فکری شان در خصوص ارتباط فرد و جامعه، قانون، حقوق عمومی، حاکمیت و دولت، حاکمیت قانون تشریح می‌شود. اعلام نظر در خصوص نسبت ایدئولوژی با نظریه‌های حقوق عمومی، علاوه بر تبیین مفاهیم ایدئولوژی و نظریه حقوق عمومی، مستلزم ارائه ملاک‌هایی است که بر اساس آنها، این نسبت‌سنجی انجام پذیرد. ارائه معیارهای مذکور از آن رو حائز اهمیت است که می‌تواند به عنوان سنگ محک روشن و قابل بحثی برای نسبت‌سنجی ایدئولوژی در نظر هاشمی‌پور قلمداد شود. گفتنی است، اگرچه ممکن است هر صاحب‌نظری با ملاک‌های مذکور موافق یا مخالف باشد، لیکن ارائه آنها متضمن این فایده خواهد بود که حتی منتقدین نیز قادر خواهند بود در خصوص نحوه اعمالشان بر نظریه‌های حقوق عمومی اعلام نظر نمایند بنابراین، در فصل سوم «ملاک‌های نسبت‌سنجی ایدئولوژی» در چهار سطح خاستگاه، رویکرد، محتوا و کارکرد نظریه ارائه شده و سپس بر سبک‌های چهارگانه حقوق عمومی اعمار می‌شود.

با تواضع می‌توان این کتاب را نخستین نوشتار به زبان فارسی دانست که به «نسبت‌سنجی ایدئولوژی با نظریه‌های حقوق عمومی» پرداخته است. ضرورت انجام این پژوهش از آنجا آشکار می‌شود که در بسیاری از «مراجع»، نویسندگان بدون ایضاح مفهومی که از ایدئولوژی مراد می‌کنند، یک نظریه حقوق عمومی را ایدئولوژیک می‌خوانند و از این طریق در پی انکار و رد آن بر می‌آیند. بر این اساس، انجام پژوهشهایی مانند کتاب حاضر به منظور تشریح معنای «ایدئولوژی» و شدن نظریه حقوق عمومی و تبیین رابطه بین «ایدئولوژی» با «نظریه‌های حقوق عمومی»، ضرورت دارد. همچنین تحقیقاتی از این دست، در تلاش‌اند تا الگویی روشمند و نظاممند برای نسبت‌سنجی ایدئولوژی با نظریه حقوق عمومی ارائه کرده و به نوبه خود سهمی در پاسخگویی به این سوال که «آیا می‌توان و باید نظریه‌ای غیر ایدئولوژیک از حقوق عمومی ارائه داد؟» داشته باشند.

علاوه بر موارد پیش گفته، با توجه به اینکه منبع جامع و مستقلی در زبان فارسی در خصوص انواع نظریه‌های حقوق عمومی وجود ندارد، لذا مقوله‌بندی نظریه‌های

حقوق عمومی و تبیین نقطه نظرات آنها در باب موضوعات و مسائل اصلی حقوق عمومی همچون رابطه فرد و جامعه، قانون، حاکمیت و دولت و حاکمیت قانون، می‌تواند در عرصه تدریس و تحصیل مفید واقع شود. در همین راستا، امید می‌رود که تبیین نسبت نظریه‌های حقوق عمومی با ایدئولوژی، نکاتی قابل ارائه و مفید برای نظریه‌پردازان این عرصه جهت ارائه نظریه‌ای غیرایدئولوژیک از حقوق عمومی، عرضه نماید.

در پایان بر خود لازم می‌دانم که خالصانه از رهنمودها و نظرات صائب و راهگشای همه اساتید ارجمند در دانشگاه شهید بهشتی خصوصاً آقایان دکتر محمد راسخ، دکتر امیر نیک‌پی و خانم دکتر منازبات کیمتکی قدردانی کنم که با نظرات سازنده و نکته‌بینی‌های دقیق خود، حجم اندازهای وسیع و جدیدی برای فهم ایدئولوژی و نظریه حقوق عمومی، بر من گشودند.